باسمه تعالی

زیّ و منش طلبگی در کلام مقام معظم رهبری

يكى از چيزهائى كه به نظر من به شما كمك ميكند، اين چيزى است كه در مورد نبى مكرم، اميرالمؤمنين فرمود: «طبيب دوّار بطبّه قد احكم مراهمه و احمى مواسمه». نبايد پشت ميز و توى اتاق حبس شد. شكل ادارى پيدا كردنِ ما مجموعه‌ى روحانى و مجموعه‌ى آخوند، به نفع ما نيست. هر مسئوليتى هم در هر جا داريم، اين حالت طلبگى خودمان، حالت آخوندى خودمان، حالت روحانى خودمان را - كه انس با مردم، رفتن ميان مردم، گفتن به زبان مردم، شنيدن درددل مردم است - بايد از دست ندهيم. البته ما هر دو جورش را در بين روحانيون ديده‌ايم. كسانى بوده‌اند كه هيچ سمت رسمى و ادارى و اينها هم نداشتند، در عين حال رفتارشان با مردمى كه با آنها مواجه بودند، مثل رفتار يك آدم ادارى، خشك، بى‌انعطاف، بى‌توجه، بى‌محبت و بى‌لبخند بوده است. عكسش را هم ديده‌ايم. كسانى هم بوده‌اند كه مسئوليت هاى ادارى داشتند، اما در همان گوشه‌اى و ضلعى كه با مردم تماس پيدا مي كردند، رفتار محبت‌آميز، رفتار پدرانه، رفتار مشفقانه و دلسوزانه با مردم داشتند؛ اين خوب است، اين درست است. پس اين هم يك مسئله است؛ يعنى حبس نشدن مجموعه در قالبهاى سازمانى. نه اينكه من با سازماندهى مخالف باشم؛ نه، بدون سازماندهى، بدون تشكيلات، مديريت امكان ندارد و كار هم پيش نميرود. نخير، بنده معتقد به نظم سازمانى هستم؛ اما معتقدم كه اين نظم سازمانى نبايد ما را از هويت خودمان خارج كند. ما در همه صورت روحانى هستيم. بايستى با همان منش روحانى، به شكل روحانى‌اى كه در عالم شيعه وجود دارد، مشى كنيم. البته اين حالت در مذاهب و اديان ديگر هم بكلى منتفى نيست؛ يك جاهائى وجود دارد، براى آنها خيلى هم خوب است؛ اما حالا در بين شيعه يك سنتى است. اين حالتى كه در بين روحانيت شيعه وجود داشته - اينكه با مردم مأنوس است، از مردم مرتزق است، نسبت به مردم مشفق است، دردهاى مردم دردهاى اوست - اين را بايد حفظ كنيد؛ اين چيز خيلى مهمى است ([بيانات در ديدار اعضای نمايندگى رهبرى در دانشگاه‌ها](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=9720)، 20/04/1389)

روحانيت داراى قداست است. مردم به من و شما كه نگاه مى‌كنند، به خاطر لباسمان، شأنمان و شغلمان، حساب خاصى براى ما باز مى‌كنند و يك تقدسى قائلند. بعضى از گناهانى كه خودشان مى‌كنند، خيال مى‌كنند ماها نمى‌كنيم؛ بعضى از كارهاى خيرى كه خودشان انجام نمى‌دهند، خيال مى‌كنند ما انجام مى‌دهيم؛ خيال مى‌كنند ماها دائم در حال ذكر الهى و توجه به پروردگار - كه غالباً از آن غفلت مى‌شود - هستيم؛ يك چنين تصوراتى درباره‌ى ما دارند. البته اين تصورات را نبايد تقويت كرد. امام سجاد (سلام‌اللَّه عليه) در يكى از ادعيه‌ى صحيفه‌ى ثانيه‌ى سجاديه از خداى متعال شش چيز مى‌خواهد، كه يكى‌اش اين است: «و لبّاً راجحاً»؛ باطنم از ظاهرم بهتر باشد. ماها در اين زمينه گرفتاريم. بايد باطنمان از ظاهرمان بهتر باشد. اين قداست را چگونه حفظ كنيم؟ حفظ قداست با سلامت مالى، سلامت اخلاقى و حفظ زىّ طلبگى است. نمى‌گوييم عباى پاره به دوشمان بيندازيم؛ معناى زىّ طلبگى اين نيست. معنايش اين است كه در دنياطلبى مثل دنياطلبان عمل نكنيم؛ هر چه هوس كرديم، بخواهيم. من قبلها روايتى ديدم كه هر كس هر چه دلش خواست بپوشد، هر چه دلش خواست بخورد و هر مركوبى كه دلش خواست سوار شود، اين شخص پيش خداى متعال ملعون است. اين شأن پولدارها و پول‌پرستهاست. ما هم فلان چيز را هوس مى‌كنيم، اما حالا پول نداريم، به‌مجردى كه پول گيرمان آمد، فوراً مى‌رويم آن را تهيه مى‌كنيم؛ منتظريم كه از اين صد جزء اشرافيگرى، وقتى اين يك جزئش فراهم شد، نود و نه جزء ديگر را هم در فرصتهاى ديگر همين‌طور بتدريج فراهم كنيم. اين شأن طلبگى نيست. شأن طلبگى اين است كه انسان يك زىّ متوسطى همراه با قناعت، سلامت مالى و سادگى به طور نسبى براى خودش نگه دارد. سلامت اخلاقى، خيلى مهم است. آن وقت قداست حفظ خواهد شد

([بیانات در دیدار روحانیون استان سمنان](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8841)، 17/8/1385)

حضور مجموعه‌يى به نام عقيدتى، سياسى در نيروهاى مسلح، يكى از الهامات الهى و از بركات پروردگار بر امام بزرگوار ما و مجموعه‌ى دست‌اندركار امور كشور بود. نقش روحانيون، نقش هدايت و دستگيرىِ معنوى است. همه به روحانى احتياج دارند - همچنان‌كه به طبيب احتياج دارند - و اگر روحانى در هر نقطه‌يى به وظايف خود عمل كند، آن‌جا را از لحاظ معنوى آباد خواهد كرد. گاهى وجود ما عمامه‌يى‌ها در جاهايى بى‌اثر مى‌شود، يا احياناً خداى ناكرده اثرهاى منفى بر جاى مى‌گذارد؛ اين به‌خاطر اين است كه ما در آن مورد با وظايف و هويت و منش يك روحانى ظاهر نشده‌ايم. در طول سالهاى متمادىِ عمر روحانيت شيعه، هرجا روحانيون با منش و هويت روحانىِ خود ظاهر شده‌اند، بركاتى بر جاى گذاشته‌اند؛ چه در ميدان سياست، چه در ميدان معنويت، چه در ميدان‌هاى مربوط به رزم و دفاع از كشور و امنيت، و چه در هر ميدان ديگرى. شأن روحانى اين است. نمى‌خواهم ادعا كنم كه حضور روحانيون در نيروهاى مسلح در سالهاى بعد از انقلاب صددرصد همان‌طورى بوده است كه از ماها انتظار مى‌رفته؛ اما مى‌خواهم اين را عرض كنم كه در مجموعه‌ى بزرگ نيروهاى مسلح، هرجا علما، روحانيون، فضلا و طلاب جوان با همان منش روحانى حضور داشته‌اند، تأثيرات بسيار گران بهايى برجاى گذاشته‌اند.

منش روحانى نبايد فرماندهى باشد؛ هرچند تشريفات فرماندهى اصلاً مردمىِ محض است. شما فرض كنيد در فلان محله‌ى تهران يا هر شهر ديگرى پيش نماز يك مسجد هستيد. پيش نماز يك مسجد چگونه رفتار مى‌كند؟ با امر و نهى و پَسرو و پيشرو رفتار مى‌كند؟ اگر بكند، مردم به نمازش نمى‌آيند. هميشه گرم‌ترين نماز جماعت‌ها متعلق به پيش نمازهاى مردمى است: با مردم گرم مى‌گيرند؛ با مردم خوش اخلاقى مى‌كنند؛ بى‌حوصلگى نشان نمى‌دهند؛ بدخلقى نشان نمى‌دهند، جواب مسأله‌شان را مى‌دهند؛ يك وقت اگر كسى بيمارى و مشكلى داشته باشد، اگر با پول نتوانند، با اخلاق آن مشكل را تسكين مى‌دهند. گفت:

چو وا نمى‌كنى گرهى خود گره مباش

ابرو گشاده باش چو دستت گشاده نيست

به عنوان آخوندى، دست ما گشاده نيست؛ اما اَبرويمان كه مى‌تواند گشاده باشد. بنده خودم سالها پيش نمازى كرده‌ام؛ مى‌دانم انسان چگونه بايد با مردم رفتار كند. وقتى نماز تمام مى‌شد، برمى‌گشتم رو به مردم مى‌نشستم. تسبيحات حضرت زهرا را هم كه مى‌گفتم، افراد مى‌آمدند و مى‌ديدند راه باز است. جوان مى‌آمد، مزلّف مى‌آمد، بازارى مى‌آمد، ريش‌دار مى‌آمد، بى‌ريش مى‌آمد. آن زمان، پوشيدن پوستين‌هاى وارونه در ميان جوانهاى بيتل مد شده بود. يك روز رفتم نماز، ديدم يكى از همين جوانهاى آلامد كه موهايش را روغن زده، آمده و صف اول كنار متدينين و بازارى‌هاى خوب و افراد محاسن سفيد نشسته. احساس كردم اين جوان با من حرفى دارد. نشستم و به او پاسخِ نگاه دادم؛ يعنى اجازه دادم بيايد حرفش را بزند. جلو آمد و گفت آقا! من صف اول بنشينم، اشكال دارد؟ گفتم نه، چه اشكالى دارد؟ شما هم مثل بقيه. گفت: اين آقايان مى‌گويند اشكال دارد. گفتم: اين آقايان بيخود مى‌گويند! اين جوان، ديگر از اين مسجد پا نمى‌كِشد. اين جوان، ديگر از اين پيش نماز دل نمى‌كند. همين‌طور هم بود؛ از ما دل نمى‌كندند. بنده وقتى مسجد مى‌رفتم، در ميان صد نفر، اقلاً نود نفرش جوانها بودند. بنده هيچ چيز خاصى نداشتم؛ نه يك مايه‌ى آن‌چنانىِ معنوى، نه يك مايه‌ى دنيوى؛ اما با مردم بودم

([بيانات در ديدار مسئولان عقيدتى، سياسى نيروى انتظامى](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3268)، 23/10/1383).

دوم، حفظ زىّ طلبگى است. زىّ طلبگى چيست؟ من زىّ طلبگى را در دو جمله مى‌توانم معرفى كنم: پارسايى با عزّت، و نظم در تحصيل و زندگى. طلبه، پارساگونه زندگى مى‌كند. البته من از اوضاع مادّى حوزه‌ى علميه، حقيقتاً آشفته و ناراحتم. از مشكلاتى كه بسيارى از طلاّب و فضلا با آن دست و پنجه نرم مى‌كنند - مشكلات مادّى - مطّلعم. گاهى اوقات بعضى از اين اطّلاعات براى من بسيار تلخ و گزنده است. البته آن مقوله‌ى ديگرى است كه واقعاً بايد برايش فكرى كرد. امروز حقيقتاً طلاّب علوم دينى از همه‌ى طبقات جامعه - حتى از كارمند و از كارگر و از ديگران - از لحاظ حظّ معيشتى پايين‌ترند - اين يك واقعيت است - در حالى كه يكى از بزرگترين و شريفترين كارها را اينها انجام مى‌دهند. از ظواهر هم چندان چيزى نمى‌شود فهميد. همان عزّت نفس و مناعتى كه طلاّب علوم دينى از گذشته با آن سرافراز بوده‌اند، نمى‌گذارد آدمهاى سطحى و ظاهربين، بسيارى از بواطن امر را ببينند و بشناسند. من نمى‌خواهم آن مقوله را با اين مقوله مخلوط كنم. آنى كه حالاً عرض مى‌كنم، اين است كه طلاّب - چه آنهايى كه برخوردارند، چه آنهايى كه دچار سختيهايى هستند - بايد زىّ طلبگى‌شان محفوظ بماند؛ يعنى حالت پارسايى و قناعت، همراه با عزّت نفس؛ اين يك. دوم، نظم در تحصيل و به تبع آن نظم در زندگى؛ كه خصوصيت طلبگى نظم است.

([بیانات در جمع اساتيد، فضلا و طلاب حوزه علميه قم در مدرسه فيضيه](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21451)، 14/7/1379).

مبلّغِ دين و مبيّنِ معارف دينى، بايد به زبان اكتفا نكند؛ بلكه عمل او هم بايد ايمان و اخلاص و صفايش را در بيان اين حقيقت براى مخاطب ثابت كند و نشان دهد. اين‌كه مشاهده مى‌كنيد در هر كارى كه علماى دين پيشگام باشند، مردم پاسخ مثبت مى‌دهند و اجابت مى‌كنند و جمع مى‌شوند و عمل مى‌كنند - چه جبهه باشد، چه امر سياست و چه خودِ انقلاب - به خاطر اين است كه اين لباس و شغل و زىّ، به خاطر عمل اخيار و نيكانى كه قبل از ما بوده‌اند، توانسته است ايمان مردم را به خود متوجّه و جلب كند. اين، اخلاص علماى گذشته و بزرگان ماست و سرمايه‌ى ارزشمندى محسوب مى‌شود. بايد اين را حفظ كنيم. وقتى علماى دين، چنين ايمان و اخلاصى را از خود نشان مى‌دهند و عملاً براى مردم ثابت مى‌كنند،كار هدايت آنها را آسان مى‌سازند

(بيانات در دیدار جمعی از روحانیون، 27/10/1374).

[**بيانات در دیدار جمعی از روحانیون**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2781)

اگر خداى نكرده بر اثر بى‌توجهيها، غفلتها، وقت‌نشناسيها، وظيفه‌نشناسيها و منحرف شدن از خط معمولى روحانيت در طول هزار سال، آن ذخيره‌ى هزارساله آسيب ببيند؛ آن الماس گرانبهايى كه بر اثر گذشت قرنها و عصرها و دوره‌ها و مجاهدتها و اخلاصها به‌وجود آمده بود، خدشه‌دار شود، يا بشكند، باز روزگار زيادى لازم خواهد بود، تا بشود آن‌چنان ذخيره‌يى را فراهم آورد. پس، در اين روزگار، اولين بايدِ ما معممان و متزيّيان به زىّ علم و روحانيت، حفظ آن آبرو و حيثيت هزارساله است كه بحمداللَّه در طول دوران انقلاب، اين آبرو مضاعف شد و چهره‌ى روحانيت شيعه، به خاطر گذشت و فداكارى، درخشندگى پيدا كرد.

([بیانات در ديدار جمعى از روحانيون](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2433)، 22/12/1369).

روحانى، آن وقتى سخن نافذ خواهد داشت كه عملاً نشان بدهد به زخارف دنيا بى‌اعتناست و آن حرصى كه بر دلهاى دنياداران و دنيامداران حاكم است، بر او حاكم نيست. اين را بايد به مردم نشان بدهيم. روحانيت، در سايه‌ى پارسايى بود كه اين حيثيت و آبرو را پيدا كرد. اين پارسايى و بى‌اعتنايى به دنيا و به زخارف، بايد حفظ شود (همان).

عالمى كه حرص به دنيا داشته باشد مردود است. عالمى كه از محرمات اجتناب نداشته باشد، مردود است. نه اين‌كه عالم نبايد از تمتعات زندگى بهره ببرد؛ اما مراتبى هست كه انسان در آن مراتب، بايد حقاً و انصافاً از تمتعاتى چشم بپوشد. علما هم مثل بقيه‌ى مردم، بايد از تمتعات معمولى زندگى بهره ببرند؛ همان‌گونه كه خداوند درباره‌ى پيغمبر فرمود: «قل انما انا بشر مثلكم.» اما اين دو چيز - حرص به دنيا و عدم تورع از حرام - ممنوع است. اين‌كه حرص به دنيا در عالم احساس شود - ولو به حسب ظاهر فعل حرامى هم نكند؛ اما همين‌طور از چپ و راست دنبال اين باشد كه بتواند مال دنيا را جمع كند - ضدِ قدس است. يا اين‌كه خداى نكرده تورع از حرام نداشته باشد و ديده شود كه برايش غيبت كردن آسان است، دروغ گفتن آسان است، و خداى نكرده ارتكاب بعضى از محرمات گوناگون آسان است. پس، اين نسل موظف است چه از راه علم و تداوم رشته‌ى علمى و پيشرفت علمى و چه از لحاظ حفظ اعتبار تقوايى و قدسى، آبروى اسلاف را حفظ كند ([بیانات در ديدار جمعى از روحانيون](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2433)، 11/5/1368).

مبلّغِ دين و مبيّنِ معارف دينى، بايد به زبان اكتفا نكند؛ بلكه عمل او هم بايد ايمان و اخلاص و صفايش را در بيان اين حقيقت براى مخاطب ثابت كند و نشان دهد. اين‌كه مشاهده مى‌كنيد در هر كارى كه علماى دين پيشگام باشند، مردم پاسخ مثبت مى‌دهند و اجابت مى‌كنند و جمع مى‌شوند و عمل مى‌كنند - چه جبهه باشد، چه امر سياست و چه خودِ انقلاب - به خاطر اين است كه اين لباس و شغل و زىّ، به خاطر عمل اخيار و نيكانى كه قبل از ما بوده‌اند، توانسته است ايمان مردم را به خود متوجّه و جلب كند. اين، اخلاص علماى گذشته و بزرگان ماست و سرمايه‌ى ارزشمندى محسوب مى‌شود. بايد اين را حفظ كنيم. وقتى علماى دين، چنين ايمان و اخلاصى را از خود نشان مى‌دهند و عملاً براى مردم ثابت مى‌كنند،كار هدايت آنها را آسان مى‌سازند.

[**بيانات در ديدار روحانيون تيپ مستقل 83 امام جعفر صادق(ع)**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2518)

امروز، اگر روحانيت از زىّ خود خارج بشود و قدرت‌طلبى و قدرت‌نمايى و سوء استفاده بكند و اگر عملى از او سر بزند كه حاكى از ضعف تقوا و ورعى باشد كه مردم در او سراغ كردند و به او اعتماد دارند، هر كدام از اينها لطمه‌اش غيرقابل جبران است. از اين جهت هم، امروز وضع ما روحانيون استثنايى است؛ يعنى با دوره‌ى قبل از انقلاب فرق مى‌كند. البته، در دوره‌ى قبل از انقلاب هم، اگر از يك روحانى كارى سر مى‌زد، ضايعه بود و به همه‌ى روحانيت سرايت مى‌كرد؛ اما امروز چون نظام، نظام اسلامى است و روحانيون مظهر اسلام هستند، ضايعه فقط متوجه جمعى از روحانيون - يا حتّى جمع روحانيت - نمى‌شود؛ بلكه ضايعه متوجه اسلام مى‌شود و به اين زودى هم قابل جبران نخواهد بود.

([بیانات در ديدار جمعى از روحانيون](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2433)،4/4/1368).

رعايت ظواهر نظامى، خيلى مهم است. بدون شك، در امر نظامى، ظواهر عنوان بواطن است. يعنى اگر آن شخص نظامى كه جلوى شما مى‌آيد، چنانچه ديديد يقه‌اش باز است، يا دكمه‌اش افتاده، بدانيد كه او قطعاً در ميدان جنگ كم خواهد آورد. نه اين‌كه اگر يقه‌اش بسته بود و دكمه‌اش نيفتاده بود، كار را تمام خواهد كرد؛ نه، اين جزو موضوع است؛ تمام موضوع نيست. يعنى اگر همه چيزش تكميل باشد، اما مثلاً وقتى پيش شما مى‌آيد، ببينيد بند پوتينش باز يا شُل است، يقين كنيد كه او در ميدان جنگ، آن كارى كه شما مى‌خواهيد، نخواهد كرد. بايد كارش شسته، رُفته، مرتب، منظم و پُروپيمان - در همان زى‌يى كه از او متوقع است - باشد. البته ممكن است از طلبه‌ى نظامى زى خاصى متوقع باشد؛ آن زى را مشخص كنيد، تا همان زى را داشته باشد.

[**بیانات در دیدار جمعی از روحانيون استان لرستان‌**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2482)

معاونت تهذیب و تربیت حوزه‌های علمیهخداوند ان‌شاءاللَّه توفيق انجام وظيفه و اهتدا به وظيفه به ما عنايت كند؛ ما را هرگز از اين زى مقدس روحانى جدا نكند؛ ما را در راه خدمت به دين و خدمت به اين رشته‌ى مقدس و افتخارآميز، زنده بدارد و در همين راه هم بميراند.

[**بیانات در ديدار جمعى از روحانيون**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2433)

تكليف ما جامعه‌ى روحانيت - كه بنده هم طلبه‌يى در اين مجموعه‌ى عظيم روحانى هستم - اين است كه هرچه توان داريم، بر استحكام معنوى جامعه‌ى علمى روحانيت بيفزاييم. علماى محترم در اين زمينه، عملاً و فكراً و مشياً و زيّاً وارد شوند؛ زيرا آبروى روحانيت، آبروى اسلام و انقلاب - بخصوص آبروى امام - است.

معاونت تهذیب و تربیت حوزه‌های علمیه